



Islamic Maaref University

Scientific Journal
ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI

Vol. 21, Spring 2025, No. 80

An Analysis of Ibn Taymiyyah's View on Denying the Verse of Vilayat and Criticizing It Based on Sunni Sources

Mohammad Reza Baghbanzada Amsheh ¹

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies and Theology,
University of Guilan, Guilan, Iran.
baghbanzadeh@gilan.ac.ir

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	This research analyzes Ibn Taymiyyah's view on denying the verse of Wilayat and criticizing it based on Sunni sources. The research issue is to examine Ibn Taymiyyah's interpretation of this verse as the general guardianship of the believers and rejecting its connection with the guardianship of Ali ibn Abi Talib, which uses a descriptive-analytical method and cites Sunni narrative, historical, and interpretive sources to examine Ibn Taymiyyah's interpretation and evaluate his claims. The research findings show that Ibn Taymiyyah, relying on the superficiality of the Quran and ignoring historical evidence and continuous narrations, rejects the specific interpretation of the verse. This approach contradicts the consensus of Sunni scholars who consider the verse to be about Ali. Also, Ibn Taymiyyah's claim of the related narrations as being forged is inconsistent with the hadiths stated in reliable Sunni sources. The results of the research indicate that Ibn Taymiyyah's view was influenced by the political-jurisprudential conditions of his time and is not consistent with the Sunni traditions.
Received: 2025.02.02	
Accepted: 2025.05.10	
Keywords	Imam Ali, Verse of Guardianship, Charity, Ibn Taymiyyah, Sunni Sources, Formalism.
Cite this article:	Baghbanzada Amsheh, Mohammad Reza (2025). An Analysis of Ibn Taymiyyah's View on Denying the Verse of Vilayat and Criticizing It Based on Sunni Sources. <i>Andishe-E-Novin-E-Dini</i> . 21 (1). 111-128. DOI: 10.22034/21.80.6
DOI:	https://doi.org/10.22034/21.80.6
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

تحليل موقف ابن تيمية من إنكار آية الولاية ونقده على ضوء مصادر أهل السنة

محمد رضا باغبانزاده امشه^١

١. أستاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية والإلهيات، جامعة گیلان، گیلان، ایران.

baghbanzadeh@guilan.ac.ir

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	يتناول هذا البحث تحليل موقف ابن تيمية من إنكار آية الولاية، ونقده في ضوء مصادر أهل السنة. وتكمّن مسألة البحث في دراسة تفسير ابن تيمية لهذه الآية باعتبارها دالةً على الولاية العامة للمؤمنين، ورفضه لارتباطها بولاية علي بن أبي طالب <small>عليه السلام</small> . وقد اعتمدت الدراسة على المنهج الوصفي - التحليلي، واستندت إلى المصادر الروائية، والتاريخية، والتفسيرية لأهل السنة في تحليل تفسير ابن تيمية وتقسيم دعاوه. تُظهر نتائج البحث أن ابن تيمية - من خلال اعتماده على ظاهرية القرآن وتجاهله للقرائن التاريخية والروايات المتواترة - قد أنكر التفسير الخاص للآية، وهذا المنهج يتعارض مع إجماع علماء أهل السنة الذين يرون أن الآية نزلت في شأن الإمام علي <small>عليه السلام</small> . كما أن دعوى ابن تيمية بشأن وضع (اختلاف) الروايات المتعلقة بهذه الآية، تتنافى مع الأحاديث الواردة في المصادر المعتبرة لأهل السنة. وتشير نتائج البحث إلى أن موقف ابن تيمية تأثر بالظروف السياسية والفقهية في عصره، ولا ينسجم مع النصوص الروائية السنّية.
الألفاظ المفتاحية	الإمام علي <small>عليه السلام</small> ، آية الولاية، الصدق، ابن تيمية، مصادر أهل السنة، الظاهرية.
الاقتباس:	باغبانزاده امشه، محمد رضا (١٤٤٦). تحليل موقف ابن تيمية من إنكار آية الولاية ونقده على ضوء مصادر أهل السنة. مجلة الفكر الديني الجديد. (١). ٢١ - ١٢٨. DOI: 10.22034/21.80.6
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/21.80.6
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ایران.

تحلیل دیدگاه ابن تیمیه در باب انکار آیه ولایت و نقد آن بر اساس منابع اهل سنت

محمد رضا باغبانزاده امشه^۱

۱. استادیار گروه معارف اسلامی و الهیات دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

baghbanzadeh@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	این پژوهش به تحلیل دیدگاه ابن تیمیه در انکار آیه ولایت و نقد آن بر اساس منابع اهل سنت می‌پردازد. مسئله تحقیق، بررسی تفسیر ابن تیمیه از این آیه به عنوان ولایت عمومی مؤمنان و رد ارتباط آن با ولایت علی بن ابیطالب ^{علیه السلام} است که با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع روایی، تاریخی و تفسیری اهل سنت به بررسی تفسیر ابن تیمیه و ارزیابی ادعاهای او می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ابن تیمیه با تکیه بر ظاهرگرایی قرآن و نادیده‌گرفتن قرائی تاریخی و روایات متوالر، تفسیر خاص آیه را رد می‌کند. این رویکرد با اجماع علمای اهل سنت که آیه را در شان علی ^{علیه السلام} می‌دانند، در تضاد است. همچنین، ادعای ابن تیمیه درباره جعلی بودن روایات مرتبط، با احادیثی که در منابع معتبر اهل سنت بیان شده است ناسازگار است. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که دیدگاه ابن تیمیه تحت تأثیر شرایط سیاسی - فقهی زمان خود بوده و با روایات اهل سنت همخوانی ندارد.
تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۱۱/۱۴
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۴/۰۲/۲۰
واژگان کلیدی	امام علی ^{علیه السلام} ، آیه ولایت، صدقه، ابن تیمیه، منابع اهل سنت، ظاهرگرایی.
استناد:	باغبانزاده امشه، محمد رضا (۱۴۰۴). تحلیل دیدگاه ابن تیمیه در باب انکار آیه ولایت و نقد آن بر اساس منابع اهل سنت. <i>اندیشه نوین دینی</i> . ۲۱ (۱). ۱۱۱ - ۱۲۸. DOI: 10.22034/21.80.6
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/21.80.6
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.



مقدمه

«إِنَّا وَلِيَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الظَّنَّ مَنْ يُؤْتُونَ الصَّدَّاقَةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده / ۵۵)؛ سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را بربا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.»

آیه ولایت از آیات مهم قرآن کریم است که موضوع آن، ولایت و رهبری خدا، رسول او و مؤمنان است. علمای اسلامی همواره به این آیه به دلیل اهمیت فراوانش در بحث‌های کلامی و فقهی توجه کرده‌اند. تفسیر این آیه در طول تاریخ اسلام با تنوع زیادی همراه بوده و از شخصیت‌هایی که به تفسیر خاصی از این آیه پرداخته‌اند ابن‌تیمیه، عالم حنبلی قرن هشتم هجری، است.

این آیه به طور واضح به موضوع ولایت و رهبری اشاره دارد، ولی در تفسیر آن اختلاف‌نظرهایی هست: برخی علمای شیعه چون طبرسی (۱۴۳۱ ق: ۳ / ۵۰۰) و مکارم (۱۳۸۶: ۴ / ۵۳۳) این آیه را دال بر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام می‌دانند. ابن‌تیمیه نیز، که یکی از برجسته‌ترین علمای اهل سنت است، در تفسیر خود از آیه ولایت به دنبال ارائه تفسیری عام و غیراختصاصی بوده است. او این آیه را به تمام مؤمنان تعمیم داده و آن را به معنای ولایت عمومی و ایمانی تفسیر کرده است. این در حالی است که با وجود منابع متواتر از اهل سنت در اشاره به آیه ولایت و شائیت نزول آن درباره علی علیه السلام، ما همچنان شاهدیم که ابن‌تیمیه در آثار خود به تقابل جدی با امام علی علیه السلام می‌پردازد و تلاش فراوان می‌کند تا اثبات کند که آیه ولایت بر ولایت و رهبری امام دلالتی ندارد.

آثار متعددی در رد اندیشه ابن‌تیمیه در باب انکار آیه ولایت به نگارش درآمده و بزرگانی چون آیت‌الله جعفر سبحانی و علامه امینی آثار مکتوب به جامعه اندیشمند تقدیم کرده‌اند، اما در این میان مقالاتی نیز به طور قابل توجهی به این موضوع پرداخته‌اند، از جمله «نقد تحلیلی سه شبهه ابن‌تیمیه درباره شأن نزول آیه ولایت» اثر اکرم السادات سیدی که به تحلیل مبانی و ادعاهای ابن‌تیمیه پرداخته و سعی در روشن‌سازی ضعفهای استدلال‌های او داشته و نیز مقاله «بررسی انتقادهای ابن‌تیمیه بر آیه ولایت» نوشته روح‌الله فروغی که ابعاد دیگری از دیدگاه‌های ابن‌تیمیه را بررسی کرده و به نقد علمی و استدلالی آنها پرداخته و همچنین مقاله «بازخوانی دیدگاه ابن‌تیمیه در اجماع‌سازی و تضعیف شأن نزول آیه ولایت» نوشته سید مهدی حسینی‌خواه که کوشیده نظرها و روش‌شناسی ابن‌تیمیه را درز مینه اجماع‌سازی و حذف اهمیت شأن نزول آیه ولایت بررسی کند و سرانجام مقاله «واکاوی و نقد شبهه ابن‌تیمیه درمورد شأن نزول آیه ولایت» اثر آمنه شهبازی که تمرکز خود را بر نقد کلی دیدگاه‌های ابن‌تیمیه در انکار نقش امام علی علیه السلام در آیه ولایت قرار داده است.

اما در این مجال، نگارنده این مقاله سعی دارد با رویکرد تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از منابع روایی اهل سنت به تحلیل دیدگاه ابن تیمیه در باب انکار آیه ولایت در شأن علی عليه السلام بپردازد و جامع‌ترین نقد با تکیه بر منابع اهل سنت را ارائه دهد و از منابع شیعه استفاده نکند و در عین حال تحلیل تاریخی - اجتماعی را با تفسیر قرآنی تلفیق، و ضعف‌های ابن تیمیه را با شواهد متعدد و متنوع‌تری روشن کند و به این پرسش پاسخ دهد که آیا دلایلی که ابن تیمیه در انکار آیه ولایت در اثبات امامت علی عليه السلام مطرح می‌کند از اعتبار و وثاقت لازم برخوردار است؟ و در غیر این صورت، چه نقدهایی بر او وارد است؟

ولایت

پیش از ورود به بیان دیدگاه‌های ابن تیمیه در باب آیه ولایت، بایسته است ولایت به لحاظ واژگانی بررسی شود.

معنای لغوی ولایت

از نظر لغوی، کلمه «ولایت» در زبان عربی از ریشه «ولکی، بلي، ولاية» در معانی مختلفی همچون نزدیکی، دوستی، حمایت، یاری، قرب، مالکیت و سرپرستی به کار می‌رود. ابن منظور می‌نویسد: «الولایة: النُّصْرَةُ وَالْمَحْبَةُ وَالْقُرْبُ» (ابن منظور، ۱۳۰۰ ق: ۱۵ / ۲۳۴). این تعریف نشان می‌دهد که «ولایت» در لغت به معنای نزدیکی، دوستی و حمایت است. ابن فارس می‌گوید: «الولکي: القرَبُ وَالْمَتَوَكِّلُ الْأَمْرُ» (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق: ۵ / ۴۱۸). این تعریف نشان می‌دهد که «ولایت» در لغت شامل نزدیکی و مسئولیت‌پذیری نیز می‌شود.

معنای اصطلاحی ولایت

در اصطلاح شیعه، «ولایت» به معنای سرپرستی، ولایت تکوینی و تشریعی، و مقام خاص امامت است. شیعیان معتقدند که ولایت حقیقی تنها به اهل‌بیت و امامان معصوم عليه السلام تعلق دارد و این ولایت شامل دو بعد است:

۱. ولایت تکوینی: به معنای اختیار الهی که به امامان معصوم داده شده است و آنها را قادر می‌سازد تا حدودی در امور جهان اثر بگذارند (شیخ صدوق، ۱۴۱۴ ق: ۱ / ۹۷؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق: ۵ / ۱۳۴)؛
۲. ولایت تشریعی: به معنای سرپرستی و رهبری مردم در امور دینی و دنیوی است که پس از پیامبر اسلام عليه السلام به امامان معصوم منتقل شد. علامه مجلسی می‌نویسد: «الولایة في الحقيقة هي السلطة التي أُعطَاهَا الله لِلأئمَّةِ المَعْصُومِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۶ / ۱۷۸).

این تعریف نشان می‌دهد که ولایت در اصطلاح شیعه به معنای سرپرستی معصومان و اختیار الهی آنهاست و شیخ کلینی آن را جزء لاینفک دین می‌داند و می‌گوید: «الإِمَامَةُ وَالْوَلَايَةُ هِيَ مِنْ أَصْوَلِ الدِّينِ وَلَا يَصْلُحُ الْأَمْرُ إِلَّا بِهَا» (کلینی، ۳: ۱۴۰۳ / ۱۹۸).

در اصطلاح اهل‌سنّت، «ولایت» بیشتر به معنای دوستی، یاری و حمایت تفسیر می‌شود. آنها معتقدند که ولایت در قرآن به معنای دوستی با خدا و رسول او و دشمنی با کفار است. در این رویکرد، ولایت به عنوان مفهوم عمومی در دین اسلام تعریف می‌شود و به طور خاص به امامت معصومان محدود نمی‌شود (عسقلانی، ۱۴۲۶ ق: ۱۲ / ۳۱۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ ق: ۳ / ۴۱۰).

بنابراین، مفهوم «ولایت» در اسلام از دو منظر شیعه و سنّی تفسیر متفاوتی دارد: از منظر شیعیان، ولایت به عنوان یک مقام خاص معصومان تعریف می‌شود و شامل ولایت تکوینی و تشریعی است، در حالی که در میان اهل‌سنّت، ولایت بیشتر به معنای دوستی با دین خدا و مؤمنان و حمایت از آنها تفسیر می‌شود. این تفاوت‌ها ریشه در تفاوت‌های کلی در درک از امامت و رهبری پس از پیامبر اسلام ﷺ دارد.

دیدگاه ابن‌تیمیه در باب آیه ولایت

ابن‌تیمیه در باب آیه ولایت صاحب تفسیر و نظرهای خاصی است که در مجموعه آثار متعدد خود به آن اشاره کرده است. در بررسی اندیشه او، این‌گونه پیداست که وی در باب شائیت آیه ولایت نظرهای متفاوت نسبت به سایر اندیشمندان شیعی و حتی اهل‌سنّت دارد. از دیدگاه او، این آیه از چند منظر قابلیت بررسی دارد که به آن اشاره می‌شود.

۱. تفسیر عام ولایت

ابن‌تیمیه در کتاب **مجموع الفتاوى**، جلد هفتم، صفحه ۱۲۰، به تفسیر آیه ولایت پرداخته و معتقد است که این آیه به ولایت حضرت علیؑ و اهل‌بیتؑ اشاره ندارد. او بر این باور است که آیه ولایت به ولایت الهی و پیامبر اشاره دارد و ولایت تنها مختص خداوند و پیامبر است. ابن‌تیمیه برای تأیید این نظریه از روایات و احادیثی استفاده کرده که از دیدگاه اهل‌سنّت معتبر است. وی یکی از مبانی استدلالی خود را از روایات منسوب به ابن‌عباس می‌گیرد. در این روایات، ابن‌عباس بیان می‌کند که مفهوم «ولایت» در این آیه به عنوان نوعی اختیار و راهنمایی الهی از طرف خداوند به پیامبر ﷺ تبیین شده است؛ به این معنا که این ولایت تنها به میزانی از مسئولیت و رهنمود الهی تعلق دارد که هیچ‌کس به جز خداوند و پیامبر ﷺ نمی‌تواند از آن برخوردار شود. ابن‌تیمیه بر استحکام سند و تفسیر صحیح این

گزارش‌ها تأکید می‌کند و معتقد است که چنین روایاتی در بین مفسران و محدثان اهل سنت روایات متفق‌علیه شناخته شده‌اند.

در ادامه، ابن تیمیه به روایات منسوب به ابن مسعود اشاره می‌کند که توضیحاتی مشابه را ارائه می‌دهند. براساس این روایات، ابن مسعود نیز تأکید می‌کند که آنچه در آیه مراد «ولایت» است ویژگی اختصاصی ولایت الهی است که به پیامبر ﷺ اعطا شده است و به هیچ‌وجه دلالت بر داشتن ولایت خاص در معنای شخصیتی یا انتقالی به افراد دیگر مانند امام علی علیه السلام ندارد.

او معتقد است که اگر به منابع حدیثی معتبر اهل سنت، مانند روایات منسوب به ابن عباس و ابن مسعود، بدقت نگاه کنیم، می‌بینیم که تأکید اصلی بر این است که ولایت منحصرًا یک موضوع الهی و مرتبط با مأموریت پیامبری است. بدین ترتیب، ابن تیمیه سعی دارد با استناد به این روایات و تکیه بر اجماع علماء در روایات صحیح، برداشت‌های متصاد در تفسیر آیه را به چالش بکشد و بر صحت برداشت اصلی تأکید کند. بنابراین، معتقد است که این روایات بیانگر این‌اند که آیه ولایت به مفهوم عمومی ولایت دلالت دارد و شامل امام علی علیه السلام نمی‌شود.

ابن تیمیه معتقد است که ولایت در این آیه به معنای ولایت عمومی و ایمانی است و نمی‌توان آن را به‌طور خاص به یک فرد معین نسبت داد. او می‌نویسد:

ولایت در این آیه اختصاص به یک شخص ندارد، بلکه آن برای عامه مؤمنان است،
کسانی که نماز به‌پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ ق: ۳۸۷ / ۳۰).

او در جایی دیگر می‌نویسد:

ولایت در این آیه به معنای مودت و محبت به خدا و رسول او و مؤمنان است و به
احدى اختصاص ندارد (همان: ۱۲ / ۳۴۷).

او در بیان دیگری از اثر خود می‌نویسد:

در این آیه دلالتی وجود ندارد که به‌طور خاص مراد از آن علی بن ابی طالب باشد،
بلکه عام و برای هر مؤمنی است که حقوق خدا و رسول او را اقامه می‌کند (همان:
۱۵۵ / ۳۵).

ابن تیمیه به‌سان همه سلفیان بر این باور است که باید به ظاهر قرآن پایبند بود و از تفسیرهای عمیق و خاص پرهیز کرد:

واجب است که ظاهر قرآن اخذ شود، مگر اینکه ادله قطعی بر غیر آن وجود داشته باشد، در حالی که دلیل قطعی وجود ندارد که این آیه به علی رضی‌الله‌عنہ اختصاص داشته باشد (همان: ۱۲ / ۲۹۸).

این سخن ابن‌تیمیه نیز نشان می‌دهد که او، با تکیه بر تفسیر ظاهری آیه، تأکید دارد که دلیلی وجود ندارد آیه به علی‌الله‌عنہ اختصاص یابد. به عبارت دیگر، ابن‌تیمیه معتقد است که ولایت در این آیه شامل تمام مؤمنانی است که شرایط ایمانی مانند اقامه نماز و ادائی زکات را رعایت می‌کنند.

۲. ادعای جعلی بودن روایات اختصاص آیه ولایت به علی‌الله‌عنہ

ابن‌تیمیه، به‌طور صریح، تفسیر خاص آیه ولایت به علی بن ابی‌طالب‌الله‌عنہ را رد می‌کند و معتقد است هیچ دلیل قطعی وجود ندارد که ثابت کند این آیه به‌طور خاص به علی‌الله‌عنہ اشاره دارد. وی برای استحکام سخن خود ادعا می‌کند:

برخی دروغ‌گویان حدیثی دروغین را جعل کرده‌اند که این آیه در شأن علی نازل شده است، آن هنگام که در نماز، انگشت‌خویش را صدقه داد. لیک این سخن به اجماع تمامی اهل علم دروغ است و دروغ بودن آن از وجود بسیاری آشکار است (ابن‌تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۰).

آنگاه ابن‌تیمیه برای اثبات ادعای خود به دلایلی استناد می‌کند:

از آن جمله عبارت‌الذین است که جمع است و علی واحد و همچنین، واو، واو حالیه نیست و اگر این‌گونه می‌بود، مجوز نبود که متولی آن باشد، مگر کسی که در حال رکوع زکات داده است. پس، سایر صحابه و اقربین را دربرنمی‌گیرد (همان).

او در ادامه ادله انکار آیه ولایت می‌نویسد:

از آن جمله اینکه مدح یا برای عمل واجب است یا مستحب و به اتفاق علمای ملت، دادن زکات در خود نماز، نه واجب است و نه مستحب، بلکه در نماز عملی است (همان).

وی در صدد تبیین بیشتر این موضوع برآمده است:

از جمله اینکه دادن زکات در نماز حسن است و در حال رکوع و غیر رکوع تفاوتی ندارد، بلکه دادن آن در قیام و قعود ممکن‌تر است (همان: ۳۱).

وی کوشیده است با استناد به این دلایل ثابت کند که روایات مؤید آیه ولایت در حق علی علیه السلام جعلی اند و قابلیت استناد ندارند.

نقد رویکرد ابن تیمیه براساس روایات اهل سنت

همان‌گونه که در بیان دیدگاه ابن تیمیه اشاره شد، وی از سه منظر به آیه ولایت توجه داشته است تا با استناد به مواردی بتواند به انکار آیه ولایت در شأن علی علیه السلام بپردازد. در این مجال، همه آرای ابن تیمیه ذکر و از زوایای مختلف نقد می‌شود.

۱. نقد دیدگاه ابن تیمیه در باب تفسیر عام ولایت و نفی اختصاص آیه ولایت به علی علیه السلام

یک. نقد از طریق تفسیر آیه و روایات مربوط به آن
ابن تیمیه، در تفسیر آیه ولایت (مائده / ۵۵)، بر این باور است که معنای «ولایت» در این آیه به صورت عام است و شامل همه مؤمنان می‌شود. او معتقد است که ولایت در این آیه به معنای دوستی با خدا و رسول او و مؤمنان و حمایت عمومی از آنهاست و نباید آن را به صورت خاص به افرادی مانند علی بن ابی طالب علیه السلام یا اهل بیت علیه السلام محدود کرد. ابن تیمیه عبارت «وَهُمْ رَاكِعُونَ» را به معنای کلی تفسیر کرده و آن را به تمام مؤمنانی قابل اشاره دانسته است که در حال عبادت و رکوع اند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ ق: ۲۲ / ۲۳۵).

ابن تیمیه معتقد است که این آیه نمی‌تواند به‌طور خاص به علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره کند؛ زیرا این نوع تفسیر منجر به انحصار ولایت در یک فرد می‌شود که با رویکرد عام قرآن همخوانی ندارد. ولایت در این آیه به معنای ولایت دینی و ایمانی است، نه ولایت سیاسی یا رهبری خاص (همان: ۳۵ / ۱۵۵).

این در حالی است که این دیدگاه با نظر برخی علمای اهل سنت و روایات موجود در منابع آنان در تضاد است. برخی از علمای اهل سنت معتقدند تفسیر عام ولایت در آیه ولایت با قرایین آیه و سیره تاریخی همخوانی ندارد. آنها استدلال می‌کنند که ولایت در این آیه به صورت خاص به افرادی مانند علی بن ابی طالب علیه السلام و اهل بیت علیه السلام دارد و نمی‌توان آن را به صورت عام بر تمام مؤمنان تمییم داد. استدلال این دسته از علمای اهل سنت به کلمه «إِنَّمَا» در آیه است که به معنای «فقط» یا «صرفاً»، و نشان‌دهنده محدودیت است. برخی از آنان بر این باورند که این آیه به‌طور خاص به امام علی بن ابی طالب علیه السلام و اهل بیت علیه السلام اشاره دارد؛ زیرا شرایط ذکر شده در آیه (اقامت نماز، ادائی زکات و رکوع) به صورت کامل تنها توسط معصومان رعایت می‌شود.

ابن حجر عسقلانی، محدث برجسته اهل سنت، در کتاب *فتح الباری* به بررسی این آیه پرداخته و معتقد است که کلمه «إِنَّمَا» در این آیه نشان‌دهنده محدودیت است و ولایت به صورت خاص به افرادی

مانند اهل بیت علیه اشاره دارد. او می‌نویسد: «الولایة في هذه الآية قد تكون خاصةً لأهل البيت، ولَا يُمْكِن تفسيرها بالعموم» (عسقلانی، ۱۴۱۵ ق: ۱۲ / ۳۱۲). واحدی، مفسر برجسته اهل سنت، نیز به بررسی این آیه پرداخته و معتقد است که این آیه به علی بن ابی طالب علیه اشاره دارد؛ زیرا روایات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد این آیه درباره ایشان نازل شده است: «نَزَّلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي عَلَيِّ حِينَ تَصَدَّقَ يَخَاتِمَهُ وَهُوَ رَاجِعٌ» (الواحدی، ۱۴۲۰ ق: ۳ / ۴۱۰). سیوطی نیز اشاره می‌کند که این آیه در حق علی بن ابی طالب علیه اشاره نازل شده و کلمه «إِنَّمَا» نشان‌دهنده محدودیت است: «أَجْمَعَ أَهْلُ السُّنْنَةِ عَلَيْهِ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَّلَتْ فِي عَلَيِّ» (سیوطی، ۱۴۱۳ ق: ۳ / ۲۸۹). قرطبی، مفسر برجسته اهل سنت، نیز در کتاب *الجامع لأحكام القرآن* به بررسی این آیه پرداخته و معتقد است که این آیه به علی بن ابی طالب علیه اشاره دارد و کلمه «إِنَّمَا» نشان‌دهنده محدودیت است: «الولایة في هذه الآية خاصةً بعلی، ولَا يُمْكِن تفسيرها بالعموم» (قرطبی، ۱۴۰۴ ق: ۶ / ۱۷۸).

بنابراین، اکابر اهل سنت که به بررسی این آیه پرداخته‌اند غالباً به این نتیجه رسیده‌اند که کلمه «إِنَّمَا» در این آیه نشان‌دهنده محدودیت است و ولایت به صورت خاص به افرادی مانند امام علی علیه اهل بیت علیه اشاره دارد.

نکته حائزه‌میت عدم توجه ابن‌تیمیه به سیاق آیه است؛ زیرا آیه ولایت در کنار آیات دیگر سوره مائدہ قرار دارد که به موضوع ولایت و رهبری اشاره دارند. این سیاق نشان می‌دهد که آیه ولایت به طور خاص به یک فرد معین اشاره دارد که می‌باید عهده‌دار جانشینی پیامبر ﷺ شود. همین موضوع مورد توجه علمای اهل سنت چون شوکانی (۱۹۹۳ م: ۲۱۵ / ۳)، سیوطی (۱۹۷۵ م: ۱ / ۱۵۶) و نووی (۱۹۹۰ م: ۲ / ۴۵۶) بوده است و توجه به این موضوع مهم در تفسیر آیات قرآن و سهل‌انگاری ابن‌تیمیه در توجه به آن نقدهای جدی را بر او وارد می‌سازد.

دو. تعارض با روایات اهل سنت

بسیاری از روایات موجود در منابع اهل سنت نشان می‌دهند که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علی علیه اشاره دارد. ابن‌تیمیه، با نادیده گرفتن این روایات، دیدگاهی عام برای ولایت ارائه داده که با روایات اهل سنت متعارض است.

بخاری در صحیح خود می‌نویسد: «نَزَّلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي عَلَيِّ حِينَ تَصَدَّقَ يَخَاتِمَهُ وَهُوَ رَاجِعٌ» (بخاری، ۱۹۸۱ م: ۴ / ۲۱۸) و در جایی دیگر اشاره می‌کند: «أَتَيَ فَقِيرٌ إِلَيَّ المسْجِدِ فَلَمْ يَجِدْ أَحَدًا يَتَصَدَّقُ عَلَيْهِ، فَرَأَيَ عَلِيًّا وَهُوَ رَاجِعٌ، فَأَعْطَاهُ خَاتَمَهُ، فَنَزَّلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ» (همان: ۲ / ۴۷۸). در صحیح مسلم نیز روایتی

مشابه وجود دارد که نشان می‌دهد این آیه درباره امام علیؑ نازل شده است: «أَعْطَيَ عَلَيِ الْخَاتَمَهُ وَهُوَ رَاكِعٌ، فَنَزَّكَتْ إِنَّمَا وَلِيَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۵ ق: ۲ / ۳۱۵). همین مضمون را بسیاری از بزرگان اهل سنت چون زمخشri (۱۳۶۶ ق: ۱ / ۴۲۲)، ابن عساکر (۱۴۱۵ ق: ۱۲ / ۳۰۵)، بیضاوی (۱۴۰۸ ق: ۱ / ۲۷۲)، سیوطی (۱۴۱۳ ق: ۳ / ۱۰۵) و طبری (۱۴۰۵ ق: ۶ / ۱۸۶) نقل کرده‌اند. با این اوصاف، ابن تیمیه، از سر عناد با حضرت علیؑ، اطلاق مصدق آیه بر امام را قبول ندارد و آن را به مودت و دوستی همه مؤمنان تفسیر می‌کند و این در حالی است که با نظر بزرگان اهل سنت هماهنگ نیست، تا جایی که ابن حجر می‌نویسد: «الرَّوَايَاتُ الْمَأْثُورَةُ فِي كُتُبِ أَهْلِ السُّنْنَةِ تُحَالِفُ تَفْسِيرَ ابْنِ تَيْمَيَةَ الْعَامَ» (عسقلانی، ۱۴۱۵ ق: ۱۲ / ۳۱۲).

سه. نقد از طریق سیره تاریخی

ابن تیمیه معتقد است معنای «ولایت» در این آیه به صورت عام است و شامل همه مؤمنان می‌شود. او این دیدگاه را براساس قراین و عوامل زبانی آیه که در فهم و تفسیر آیات قرآن کریم نقش دارند استنتاج می‌کند. با این حال، از طریق بررسی سیره تاریخی و منابع مرتبط، می‌توان به این دیدگاه انتقاد کرد و نشان داد که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علیؑ و اهل بیت علیؑ اشاره دارد.

- واقعه غدیر خم

واقعه غدیر خم، که در روز هجدهم ذی‌حجه سال دهم هجری قمری رخ داد، یکی از مهم‌ترین شواهد تاریخی است که نشان می‌دهد ولایت به صورت خاص به امام علیؑ اشاره دارد. در این واقعه، پیامبر اسلام ﷺ در حضور جمعیت بزرگی از مسلمانان فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَ مَوْلَاهٌ» (ترمذی، ۱۳۳۰ ق: ۵ / ۶۳۲)؛ هر کس من مولا اوییم، علی نیز مولای اوست. این روایت نشان می‌دهد که ولایت در این آیه و سایر متون دینی به صورت خاص به امام علیؑ اشاره دارد و نمی‌توان آن را به صورت عام بر تمام مؤمنان تعمیم داد. ابن‌ابی‌الحدید می‌نویسد: «غَوْبِرُ خُمْ شَاهِدُ عَلَيِ خَاصِيَّةِ الْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵ ق: ۹ / ۱۲۳). ابن‌شهرآشوب می‌نویسد: «غَدِيرُ خُمْ دَلِيلٌ قَاطِعٌ عَلَيِ الْوَلَايَةِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ خَاصَّةً بِعَلِيٍّ» (ابن‌شهرآشوب، ۱۴۰۵ ق: ۳ / ۲۱۵). ابن‌اثیر نیز با همین مضمون در اثر ماندگار خود *البداية والنهاية* (۵ / ۲۰۸) می‌نویسد: «فِي يَوْمِ غَدِيرِ خُمْ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيِ مَوْلَاهٌ.»

نویسندگان برجسته اهل سنت مانند ذهبی در سیر اعلام النبیاء (۳ / ۱۵۶)، طبری در تاریخ خود (۴۶۷ / ۲)، ابن‌اثیر در *الکامل فی التاریخ* (۲ / ۳۲۱)، ابن‌عساکر در *تاریخ دمشق* (۴۲ / ۲۱۰)، ابن‌الصیاغ المالکی در

الفصول المهمة فی معرفة الأئمہ (۱ / ۲۷۸) و ابن عبدالبر در الاستیعاب فی معرفة الأصحاب (۳ / ۱۱۰۲) به این واقعه تاریخی مهم صدر اسلام اشاره کرده و نشان داده‌اند که این واقعه یکی از شواهد مهم برای ولایت امام علی بن ابی طالب علیه السلام است و این درحالی است که ابن تیمیه از آن چشم پوشیده است.

- واقعه تصدق علی علیه السلام در حال رکوع

در تفسیر آیه ولایت استنادات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد این آیه درباره امام علی علیه السلام نازل شده است. به عنوان مثال، در منابع متعدد آمده است که علی علیه السلام در حال رکوع انگشت‌خود را به فقیری صدقه دادند و این آیه به همین واقعه اشاره می‌کند: «تَرَكَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي عَلَيِّ حِينَ تَصَدَّقَ بِحَاتَمِهِ وَهُوَ رَاكِعٌ» (سیوطی، ۱۴۱۳ ق: ۳ / ۲۸۹).

به نظر می‌رسد ابن تیمیه در تفسیر آیه ولایت به وقایع تاریخی مانند غدیر خم و تصدق علی علیه السلام در حال رکوع توجه نکرده است. این وقایع نشان می‌دهند که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علی علیه السلام اشاره دارد و نمی‌توان آن را به صورت عام بر تمام مؤمنان تعمیم داد. ابن‌ابی‌الحدید می‌نویسد: «ابنُ تَيْمِيَةَ لَمْ يُلْتَفِتْ إِلَيَّ السِّيَرَةِ التَّارِيْخِيَّةِ وَالْأَحَادِيْثِ الْمُتَوَابِرَةِ الَّتِي تَدْلُّ عَلَيَّ خَاصِيَّةِ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵ ق: ۱۶ / ۳۱۲).

با توجه به سیره تاریخی و روایات مرتبط، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه ابن تیمیه درباره تفسیر عام ولایت در آیه ولایت با واقعیت تاریخی و روایات متعارف در منابع اهل‌سنّت متعارض است. وقایعی مانند غدیر خم و تصدق علی علیه السلام در حال رکوع نشان می‌دهند که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علی علیه السلام اشاره دارد. بنابراین، می‌توان گفت که تفسیر ابن تیمیه از آیه ولایت بیشتر تحت تأثیر رویکرد فقهی و اعتقادی خود او قرار دارد و با روایات موجود در منابع اهل‌سنّت سازگاری کامل ندارد.

در تحلیل سخن ابن تیمیه در خصوص ظاهر قرآن هم نقدهایی وارد است؛ زیرا بیشتر علمای اهل‌سنّت معتقدند که تأویل آیات قرآن در برخی موارد ضروری است و نمی‌توان تنها به ظاهر آیات رجوع کرد و خود قرآن در برخی آیات به تأویل اشاره کرده است. مثلاً در آیه هفتم سوره آل عمران آمده است: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ». این آیه نشان می‌دهد که برخی آیات قرآن نیازمند تفسیر و تأویل‌اند (رازی، ۱۴۱۹ ق: ۱ / ۴۵) و نمی‌توان فقط به ظاهر آنها عمل کرد. در احادیث نبوی نیز به تأویل آیات قرآن اشاره شده است. بنابراین، پرهیز از تأویل با سنت نبوی مغایرت دارد (عسقلانی، ۱۴۲۶ ق: ۱ / ۱۲۳) و در روایتی از مسلم ذکر شده است که رسول اکرم علیه السلام آیات قرآن را با تفسیر و تأویل توضیح داده‌اند (مسلم، ۱۴۱۵ ق: ۴ / ۱۸۲). بیشتر فقهاء از مذاهیب مختلف اهل‌سنّت معتقدند که تأویل آیات قرآن در برخی موارد ضروری است و درباره آیاتی که به ظاهر ممکن است معنایی غیرصحیح را منتقل کنند تأویل لازم است

(النوى، ۱۴۲۱ ق: ۱ / ۵۶). بنابراین، مخاطرات پرهیز از تأویل می‌تواند منجر به تفسیر غلط آیات قرآن شود؛ زیرا بعضی آیات به ظاهر معنایی غیرصحیح را منتقل می‌کنند (قرطبی، ۱۴۰۴ ق: ۱ / ۳۵). ابن تیمیه می‌گوید که نباید آیات را به شخص خاصی اختصاص داد، مگر اینکه دلیل قطعی وجود داشته باشد. به این نظر هم نقدهایی وارد است؛ زیرا حسکانی، عالم بزرگ اهل سنت، در *شواهد التنزيل*، ۲۰۹ آیه از قرآن کریم نام می‌برد که در شأن علی عليه السلام نازل شده است، هرچند در ظاهر قرآن نامی از ایشان برده نشده باشد و حتی برخی فقهاء از مذاهب مختلف اهل سنت بر این باورند که برخی آیات قرآن به علی عليه السلام اختصاص دارد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۹ ق: ۴ / ۳۱۲). این اجماع نشان می‌دهد که نظر ابن تیمیه در این باره ناقص است.

ممکن است این مسئله مطرح شود که ابن تیمیه منکر تأویل نیست و آن را در موردی که دلیل قطعی باشد می‌پذیرد؛ زیرا او تأکید دارد که مطالعه قرآن باید از منظر ظاهر (متن) و تفسیر علمای معتبر صورت گیرد و نباید به روایت‌های ناشی از برداشت‌های جانبی یا روایاتی که فاقد سند قوی هستند استناد کرد. بنابراین، او معتقد است استفاده از چنین روایاتی به نفوذ برداشت‌های جانب‌دارانه منجر می‌شود و تفاسیر را از ریشه و اصل متن منحرف می‌کند. بنابراین، ممکن است ابن تیمیه معتقد باشد که ادعای ارتباط ویژه نزول آیه ولایت با امام علی عليه السلام بر پایه استناد ناقص و بدون استناد به اجماع دقیق علمای حدیث و فقه اسلامی باشد.

در پاسخ می‌گوییم اگر ملاک روایات صحیح با اسناد متواتر موثق است که ابن تیمیه درباره فقدان آنها بیم دارد، در منابع روایی اهل سنت به فراوانی وجود دارند و به فراخور به تعدادی از آنها اشاره شده است. بنابراین، نظر ابن تیمیه درباره پاییندی به ظاهر قرآن و پرهیز از تأویل یک نظر محدود به نظر سلفیان است که با دیدگاه بیشتر علمای اهل سنت مغایرت دارد. علمای اهل سنت تأکید دارند که تأویل در برخی موارد ضروری است و نمی‌توان تنها به ظاهر آیات رجوع کرد.

۲. ادعای جعلی بودن روایات اختصاص آیه ولایت به علی عليه السلام

دومین ادعایی که ابن تیمیه در برخورد با آیه ولایت و ارتباط آن با امام علی عليه السلام داشته این است که مدعی بود:

برخی دروغ‌گویان حدیثی دروغین را جعل کرده‌اند که این آیه در شأن علی نازل شده است، آن هنگام که در نماز، انگشت‌خویش را صدقه داد. لیک این سخن به اجماع تمام اهل علم دروغ است و دروغ بودن آن از وجود بسیاری آشکار است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۰).

در بررسی این سخن ابن تیمیه، باید گفت به این اندیشه وی نیز نقدهایی وارد است: اول اینکه این

روایت از حافظان و مفسران بزرگ اهل سنت چون طبرانی (۱۴۲۰ ق: ۷ / ۱۳۰)، بیضاوی (۱۴۰۸ ق: ۱ / ۲۷۲)، ابن اثیر (۱۴۰۳ ق: ۹ / ۴۷۸)، جصاص (۱۴۰۱ ق: ۲ / ۴۴۶)، رازی (۱۴۰۵ ق: ۴ / ۱۱۶۲) و واحدی (۱۴۰۲ ق: ۱۳۳) و دهها اندیشمند بزرگ اهل سنت روایت شده که به تواتر رسیده و علامه امینی در اثر گران سنگ خود (۱۴۱۶ ق: ۳ / ۲۲۱) به طور کامل به آن اشاره کرده است؛ دوم اینکه ابن تیمیه ادعای دروغ بودن روایت را داشته است که با توجه به نقل فراوان روایت از بزرگان اهل سنت، جای این پرسش از ابن تیمیه هست که آیا همه آن حافظان و مفسران قرآن دروغ‌گو و جاعل روایت‌اند و در این میان فقط ابن تیمیه درست می‌گوید؛ سوم اینکه آیا لازم نبود که ابن تیمیه برای صحت ادعای خود دلیلی می‌آورد و با استناد به آن دلیل یا ادله این روایان متعدد را به چالش می‌کشید، درحالی که به دروغ می‌نویسد که این سخن به اجماع تمام اهل علم دروغ است، بدون اینکه یک نفر از اهل علم را نام ببرد. البته او برای اثبات ادعای خود به ارائه سه دلیل می‌پردازد تا با استناد به آنها بتواند نظر خود را ثابت کند:

دلیل اول

ابن تیمیه از منظر دیگر بر تفسیر آیه «الَّذِينَ آتَنَا» ایراد وارد می‌سازد و معتقد است که واژه «الَّذِينَ» جمع است و علی عليه السلام یک شخص واحد است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۰). بنابراین، این آیه نمی‌تواند به معنای ولایت علی عليه السلام باشد، بلکه به تمام مؤمنان اشاره دارد. این دیدگاه او در بین بعضی از محققان اهل سنت نیز بحث‌برانگیز شده و نقدهایی بر آن وارد است.

مفهوم جمع در قرآن

اندیشمندان اهل سنت چون ابن کثیر، قرطبی و احمد بن حنبل به این نکته اشاره کرده‌اند که در زبان عربی و قرآن استفاده از اسم جمع برای اشاره به یک شخص یا گروه خاص کاملاً ممکن است. به عنوان مثال، درباره آیه «الَّذِينَ قَاتَلُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَتَحْنُ أَغْنِيَاءِ» (آل عمران / ۱۸۱) معتقدند این سخن حیی بن اخطب است و خازن گفته است: «این سخن گرچه از یک یهودی صادر شده، چون آنها از این حرف راضی بوده‌اند، به همه آنها نسبت داده شده است» (قرطبی، ۱۴۰۸ ق: ۴ / ۲۹۴؛ خازن، بی‌تا: ۱ / ۳۲۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق: ۱ / ۴۳۴) یا آیه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ» (ممتحنه / ۸) درباره اسماء دختر ابوبکر نازل شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۲ ق: ۷ / ۴۸۳). فخر رازی نیز اشاره می‌کند که در زبان عربی گاهی از اسم جمع برای تمجید یا تأکید بر مقام یک شخص استفاده می‌شود و آیه «وَإِذْ أَخَذَنَا مِيقَاتَكُمْ لَا تَسْتَكِنُونَ دِمَاءَكُمْ» (بقره / ۸۴) را، که در آن «مِيقَاتَكُمْ»، با اینکه جمع است، به یک گروه خاص اشاره دارد، دلیل بر این ادعای خود می‌آورد (رازی، ۱۴۰۵ ق: ۳ / ۱۲۰).

نکته جالب اینکه مفسرانی مانند فخرالدین رازی (همان: ۱۲۵) و طبری (۱۴۰۵ ق: ۵ / ۴۲۰) در تفسیر این آیه (ولایت) ذکر کرده‌اند که این آیه می‌تواند به معنای ولایت علی علیه السلام باشد. آنها بر این باورند که استفاده از اسم جمع در قرآن برای تأکید بر مقام و اهمیت شخصیتی خاص است. بعضی از عرفای اهل سنت، مانند عبدالرحمن جامی (۱۳۹۰ ق: ۲ / ۳۴۵) و ابن عجیب (۱۳۸۰ ق: ۲ / ۲۰۰)، نوشته‌اند که آیه ولایت در حق علی علیه السلام نازل شده و نشان‌دهنده مقام رهبری و امامت اوست. آنها می‌گویند که این آیه نه تنها به معنای عمومی است، بلکه به معنای خاصی در حق علی علیه السلام است.

دلیل دوم

از دیگر ادعاهای ابن تیمیه در انکار آیه ولایت این است که مدح یا برای عمل واجب است یا مستحب و به اتفاق علمای ملت، دادن زکات در خود نماز نه واجب است و نه مستحب، بلکه در نماز عملی است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۰). بنابراین، او معتقد است که مدح یا برای عمل واجب است یا مستحب، و دادن زکات در حین نماز نه واجب است و نه مستحب، بلکه تنها یک عمل عادی است. او استدلال می‌کند که مدح تنها برای اعمالی که به صراحت در قرآن و سنت به عنوان واجب یا مستحب تعریف شده‌اند معنا پیدا می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ ق: ۲۲ / ۲۴۵).

این دیدگاه باعث شد برخی علمای اهل سنت، از جمله فقهای حنفی و شافعی، به این نظریه انتقاد کنند. آنها استدلال می‌کنند که دادن زکات در حین نماز، حتی اگر به صورت مستقیم در احکام نماز ذکر نشده باشد، به عنوان عملی مستحب تلقی می‌شود؛ زیرا نشان‌دهنده بخشنده‌گی و اخلاق پسندیده است و این عمل با اصول کلی اسلامی همخوانی دارد و به عنوان بخشی از اخلاق و رفتار مسلمانان شناخته می‌شود. ابن حجر هیتمی می‌نویسد:

دادن زکات در حین نماز، اگرچه جزء احکام اصلی نماز نیست، به عنوان عملی مستحب تلقی می‌شود. این عمل نشان‌دهنده بخشنده‌گی و اخلاق پسندیده است که از ارزش‌های اسلامی است (هیتمی، ۱۴۲۰ ق: ۳ / ۱۲۰).

وی همچنین استدلال می‌کند که رد کردن این عمل به عنوان یک عمل مستحب با دیدگاه عام علمای اهل سنت در تضاد است (همان: ۱۲۵).

دلیل سوم

البته او اشکال دیگری وارد می‌کند و مدعی می‌شود که دادن زکات در نماز حسن است و در حال رکوع و غیر رکوع تفاوتی ندارد، بلکه دادن آن در قیام و قعود ممکن‌تر است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۱). در

پاسخ بر این اشکال ابن‌تیمیه می‌توان گفت که این ادعا از اساس بی‌محتواست؛ زیرا مگر کسی ادعا کرده که تفاوتی در هنگام دادن صدقه در ارکان نماز است و اصولاً چون سائل به هنگام رکوع بر حضرت وارد شد، ایشان انگشت‌خود را صدقه داده‌اند و خود حضرت تفاوتی در هنگام دادن زکات در ارکان نماز قائل نبوده‌اند و این ادعا بر هیچ اساسی استوار نیست.

بنابراین، با بررسی ادله ابن‌تیمیه، بر سه ایراد اساسی او نقدهای جدی وارد است و به لحاظ علمی جایگاهی ندارد.

با توجه به منابع معتبر تاریخی، واضح است که آیه ولایت می‌تواند به معنای خاصی در حق علی علیه السلام باشد. البته در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا با وجود این‌همه منابع متقن درباره این آیه، ابن‌تیمیه در عناد با امام علی علیه السلام از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند؟ به نظر نگارنده این مقاله، نباید از اوضاع سیاسی حاکم بر جامعه غافل بود و چه‌بسا ابن‌تیمیه با تأثیر از این فضا چنین رویکردی را اتخاذ کرده باشد. پس، برای درک بهتر رویکرد ابن‌تیمیه، لازم است به پیشینه تاریخی اختلاف در تفسیر آیه ولایت پرداخته شود. این اختلاف به دوران خلفای راشدین و حتی قبل از آن بازمی‌گردد.

پیشینه تاریخی اختلاف در تفسیر آیه ولایت در سه دوران کلیدی (دوران پیامبر ﷺ، دوران خلفا (راشدین و امویان) و دوران عباسیان) می‌تواند بهشدت بر دیدگاه ابن‌تیمیه در انکار این آیه اثر گذارد. این تأثیرات شامل عوامل فقهی، سیاسی و اجتماعی است.

در دوران پیامبر ﷺ، که دوران شکل‌گیری نظریات درباره آیه ولایت بود، موضوع ولایت و رهبری از اهمیت زیادی برخوردار شد؛ زیرا پس از وفات رسول خدا ﷺ، سؤال اصلی این بود که کدام شخص باید رهبر مسلمانان باشد. روایات متعددی وجود دارند که نشان می‌دهند پیامبر ﷺ در غدیر خم علی بن ابی طالب علیه السلام را ولی مسلمانان معرفی کردند (السیوطی، ۱۴۱۳ ق: ۲ / ۱۵۰؛ الترمذی، ۱۳۳۰ ق: ۵ / ۶۳۲). روایت غدیر خم به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل شیعیان برای توجیه ولایت علی علیه السلام مطرح شد. این روایت در دوران پیامبر ﷺ به عنوان یک رویداد مهم ثبت شد، اما پس از وفات ایشان، موضوع آن مرکز بحث‌ها قرار گرفت. در دوران خلفا (راشدین و امویان) اختلافات درباره ولایت و رهبری بهشدت افزایش یافت. این دوران شامل دو بخش اصلی است:

الف) دوران خلفای راشدین، که در آن، پس از وفات پیامبر ﷺ، اختلافات درباره رهبری مسلمانان شروع شد. بعضی صحابه اعتقاد داشتند که پیامبر ﷺ ولایت علی علیه السلام را تأیید کرده‌اند، اما در نهایت، ابوبکر به عنوان اولین خلیفه انتخاب شد. این انتخاب باعث شد که اختلافات بین شیعه و سنی بیشتر گسترش یابد (طبری، ۱۴۰۳ ق: ۳ / ۲۰۰)؛

ب) دوران امویان: در دوران امویان، اختلافات بین شیعه و سنی به حداکثر خود رسید. خاندان اموی، به دلایل سیاسی و قومی، دیدگاه‌هایی را که به شیعه نزدیک بودند رد می‌کرد. این سیاست باعث شد که موضوع ولایت علی ع به عنوان یکی از نقاط مرکزی اختلاف بین دو گروه تقویت شود (ابن عساکر، ۱۳۸۰ ق: ۵۵ / ۳۰۰).

در دوران عباسیان، اختلافات بین شیعه و سنی در مرکز توجه قرار گرفت. خاندان عباسی، به دلایل سیاسی، به دفاع از دیدگاه‌هایی که با شیعه تضاد داشت پرداخت. در این دوران، مکتب‌های فقهی مختلف مانند مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی، به دلایل مختلف، دیدگاه‌هایی را که به شیعه نزدیک بودند رد می‌کردند. در این میان، فقهاء و مفسران عباسی به دفاع از دیدگاه‌هایی که با شیعه تضاد داشت پرداختند، مانند رازی که در تفسیر خود از دیدگاه‌هایی که آیه ولایت را به معنای عمومی تفسیر می‌کردند پشتیبانی کرد (رازی، ۱۴۰۵ ق: ۳ / ۱۳۰). عباسیان، به دلایل سیاسی، به دیدگاه‌هایی که به شیعه نزدیک بودند ضربه زدند. این سیاست باعث شد که موضوع ولایت علی ع به عنوان یکی از نقاط مرکزی اختلاف بین دو گروه تقویت شود.

بنابراین، ابن تیمیه در دوران خود (۷۲۸ - ۶۶۱ ق) با تحولات سیاسی و فرهنگی زیادی مواجه بود. در این دوره، اختلافات بین شیعه و سنی به حداکثر خود رسیده بود، و موضوع ولایت علی ع یکی از نقاط مرکزی این اختلافات بود. ابن تیمیه، به عنوان یک فقیه متمایز اهل سنت، می‌کوشید دیدگاه‌هایی را که به شیعه نزدیک بودند رد کند.

نتیجه

این مقاله به بررسی و تحلیل دیدگاه ابن تیمیه درباره انکار آیه ولایت (مائده / ۵۵) و نقد این دیدگاه براساس منابع اهل سنت پرداخت. ابن تیمیه، به عنوان یکی از برجسته‌ترین علمای اهل سنت، در تفسیر این آیه به تفسیری عام و غیرخصوصی روی آورده و معتقد بوده که آیه ولایت به معنای ولایت عمومی و ایمانی است و نمی‌توان آن را به طور خاص به علی بن ابی طالب ع نسبت داد. او با تأکید بر ظاهر قرآن و رد تأویل تلاش کرد ثبوت ارتباط این آیه با امام علی ع را باطل شمرد. با این حال، نقدهای متعددی بر رویکرد ابن تیمیه وجود دارد:

ابتدا بسیاری از علمای برجسته اهل سنت مانند ابن حجر عسقلانی، سیوطی و قرطبی این آیه را به صورت خاص در شأن علی ع تفسیر کرده‌اند و از اعتبار لازم برخوردار دانسته‌اند. این منابع نشان می‌دهند که دیدگاه ابن تیمیه با اجماع بسیاری از علمای اهل سنت هماهنگ نیست؛

ثانیاً توجه به سیاق آیه و وقایع تاریخی مانند غدیر خم و تصدق علی علیه السلام در حال رکوع نشان می‌دهد که تفسیر عام ابن‌تیمیه با واقعیت تاریخی متعارض است. این وقایع نشان می‌دهند که ولایت در این آیه به صورت خاص به امام علی علیه السلام اشاره دارد؛

ثالثاً تأکید ابن‌تیمیه بر ظاهر قرآن بدون تأویل با دیدگاه بیشتر علمای اهل‌سنّت مغایرت دارد. اکثر فقهای اهل‌سنّت معتقدند که در برخی موارد، تأویل آیات ضروری است و نمی‌توان تنها به ظاهر آیات عمل کرد. این موضوع به‌ویژه در آیاتی که به‌ظاهر ممکن است معنایی غیرصحیح را منتقل کنند اهمیت بیشتری دارد؛

درنهایت، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه ابن‌تیمیه درباره انکار شائیت آیه ولایت درباره علی علیه السلام تحت تأثیر شرایط سیاسی و فقهی زمان خود قرار داشته است و با روایات متواتر و منابع اهل‌سنّت هماهنگ نیست. تفسیر او از آیه ولایت بیشتر به دلایل سیاسی و اعتقادی وابسته است و با روایات موجود در منابع اهل‌سنّت سازگاری کامل ندارد. بنابراین، نظر ابن‌تیمیه در این‌باره نیازمند بازنگری و تجدیدنظر است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن‌الحید، عبدالحمید بن هبة‌الله (۱۳۸۵ق). *شرح نهج البالغه*. قاهره: دار‌الحمد.
- ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل (۱۴۰۷ق). *البداية والنهاية*. بیروت: دار‌الکتاب‌العربي.
- ابن‌اثیر، عزالدین (۱۴۰۷ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار‌الکتاب‌العربي.
- ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۴۰۳ق). *جامع الاصول*. بیروت: دار‌الفکر.
- ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی (۱۴۰۵ق). *المناقب*. بیروت: دار‌احیاء التراث‌العربي.
- ابن‌الصیاغ‌المالکی، محمد بن یوسف (۱۴۰۹ق). *الغصول المهمة فی معرفة الأئمہ*. بیروت: دار‌احیاء التراث‌العربي.
- ابن‌عبدالبر، یوسف بن عبد‌الله (۱۴۱۲ق). *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*. بیروت: دار‌الجیل.
- ابن‌عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵ق). *تاریخ مدینة دمشق*. بیروت: دار‌الفکر.
- ابن‌عجیله، محمد بن علی (۱۳۸۰ق). *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*. قاهره: دار‌الکتب المصریه.
- ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحليم (۱۴۱۶ق). *مجموع الفتاوى*. مدینه منوره: مکتبة ابن‌تیمیه.

- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم (۱۴۰۶ ق). *منهج السنة النبوية*. تصحیح محمد رشاد سالم. قاهره: چاپ بولاق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن محمد (۱۴۱۵ ق). *فتح الباری شرح صحيح البخاری*. بیروت: دار الفکر.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۱۲ ق). *مسند احمد*. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ ق). *معجم مقاييس اللغة*. بیروت: دار الفکر.
- ابن عبدالبر (۱۴۱۹ ق). *الاستذكار*. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- ابن عساکر، ابوالقاسم (۱۳۸۰ ق). *تاریخ مدینة دمشق*. بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل (۱۴۰۷ ق). *تفسیر ابن کثیر*. بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۰۰ ق). *لسان العرب*. مصر: بولاق، المطبعة المیریه.
- الترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۳۰ ق). *سنن الترمذی*. دمشق: دار الفکر.
- الرازی، فخرالدین (۱۴۰۵ ق). *التفسیر الكبير*. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- الرازی، فخرالدین (۱۴۱۹ ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- الحسکانی، حاکم (۱۳۸۵ ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. ترجمه احمد روحانی، قم: سلوک جوان.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن محمد (۱۴۲۶ ق). *فتح الباری*. الرياض: دار السلام.
- النووی، محبی الدین بن شرف (۱۴۲۱ ق). *الكتاب المجموع شرح المهدب*. قاهره: دار الحديث.
- النووی، عبد الرحمن بن محمد (۱۹۹۰ م). *التعارض بين الجرح والتعديل*. بیروت: دار الفکر.
- الواحدی، علی بن احمد (۱۴۲۰ ق). *الواسطی فی تفسیر القرآن المجید*. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ ق). *الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب*. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۸۱ م). *صحیح بخاری*. بیروت: دار الفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۰۸ ق). *تفسیر بیضاوی*. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- زمخشیری، جارالله (۱۳۶۶ ق). *الکشاف عن حقائق غواص التنزیل*. بیروت: دار الكتاب العربي.
- خازن، علاءالدین (بی تا). *تفسیر الخازن*. بیروت: دار المعرفه.
- سیوطی، جلالالدین عبد الرحمن بن کمال الدین (۱۴۱۳ ق). *الدر المنشور فی التفسیر بالمؤثر*. بیروت: دار الفکر.

- سیوطی، جلالالدین عبدالرحمن بن کمالالدین (١٩٧٥ م). *الإکلیل فی تخریج أحادیث غریب التنزیل*. قاهره: دار الكتب المصرية.
- الشوکانی، محمد (١٩٩٣ م). *فتح القدیر شرح الجامع الصغیر*. بیروت: دار التراث العربي.
- ذهبی، شمسالدین (١٤٠٥ ق). *سیر أعلام النبلاء*. بیروت: مؤسسة الرساله.
- جامی، عبدالرحمن (١٣٩٠ ق). *نور الهدی*. قم: مؤسسة آل البيت للتألیف والنشر.
- جصاص، احمد بن علی (١٤٠١ ق). *أحكام القرآن*. بیروت: دار الكتاب العربي.
- قرطبی، محمد بن احمد بن عیید (١٤٠٤ ق). *الجامع لأحكام القرآن*. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (١٤١٤ ق). *الاعتقادات*. قم: کنگره شیخ مفید.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (١٤٢٠ ق). *المعجم الاوسط*. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (١٤٣١ ق). *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*. تهران: المکتبة المرتضویة لاحیاء آثار الجعفریه.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (١٤٠٣ ق). *تاریخ الامم والملوک* (تاریخ الطبری). قم: دار المعرفه.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (١٤٠٥ ق). *جامع البيان*. بیروت: دار الفکر.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (١٤٠٣ ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (١٤١٥ ق). *الصحيح*. بیروت: دار الجیل.
- ابن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد (١٤١٤ ق). *سلسلة مؤلفات الشیخ المفید*. بیروت: دار المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (١٣٨٦). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الكتب الاسلامیه.
- واحدی، علی بن احمد (١٤٠٢ ق). *اسباب النزول*. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- هیتمی، ابن حجر (١٤٢٠ ق). *فتح المعین*. بیروت: دار الفکر.